

آوردن این مطالب نه به معنای تأییدست، نه به تبلیغ و نه به ...

در لابلای مطالب، تصاویری از « گالری عکس » « نسیم جنوب » افزوده شد .

۱۲۶



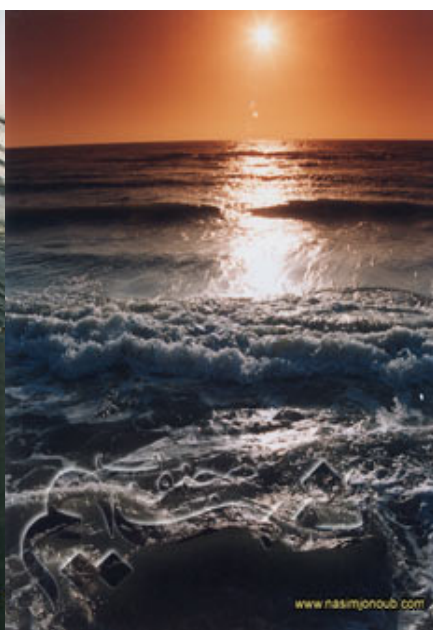
- بوشهر در دائره المعارف بریتانیکا
- عبدالحسین شریفیان : جنون رقص : درباره مراسم زار در جنوب

بوشهر در دائره المعارف بریتانیکا

[سید عبدالعزیز بلادی]



این مطلب ترجمه‌ی مقاله‌ای است از هانس بابک (Hans Bobek) رئیس بخش جغرافیای دانشگاه وین که در سال ۱۹۷۳ در جلد چهارم دائره المعارف بریتانیکا در آمریکا به چاپ رسیده و در تاریخ ۱/۵/۸۳ توسط سید عبدالعزیز بلادی به فارسی برگردانده شده است.



بوشهر (بوشهر Bushahr / سابقا بوشهر Abu-Sahr)، بندری از ایران در نزدیکی رأس خلیج فارس، که در انتهای شمالی یک شبه جزیره‌ی هموار قرار گرفته است و از طریق یک دهانه‌ی چهار تا شش مایلی از جنس شوره‌زارهای کشنده (۱) به داخله‌ی کشور متصل می‌گردد. این بندر مقر حکمرانی سابق خلیج فارس بود که هم اکنون (۲) جزو خلیج فارس و بنادر، شامل استان بحر عمان (۳) نیز می‌باشد.

جمعیت این شهر (سال ۱۹۶۶) (۴) بالغ بر ۵۴۷/۲۳ نفر است (بیشتر عرب تا ایرانی) (۵) این شهر در جبهه‌ی مشرف به دریا، عمارت‌های باشکوه دو و سه طبقه را به نمایش می‌گذارد که به سبک خاص خلیجی بنا گردیده‌اند، اما مابقی ساختمان‌ها و از جمله بازارهای وسیع آن به نحو فقیرانه‌ای ساخته شده‌اند.

منابع آب معمولی تا حدودی شورمزه است؛ (با این حال) مقادیر محدودی آب آشامیدنی از طریق یک کارخانه چگالنده (آب شیرین کن) که توسط انگلیسی‌ها در خارج شهر ساخته شده قابل تأمین است.

آب و هوا، همان آب و هوای خلیجی است؛ توان فرسا، با ترکیبی از گرما و شرجی در تابستان، که البته گهگاهی با وزش بادهای شمال غربی قدری قابل تحمل می‌شود.

تعداد زیادی خانه‌های روستایی در اطراف مزارع سرسبز در جنوب شهر پخش شده‌اند.

در بوشهر دارای یک لنگرگاه بیرونی و یک لنگرگاه داخلی می‌باشد، که اولی دارای آبی عمیق‌تر است ولی در معرض باد قرار گرفته؛ تجهیزات بندری نیز بسیار پیش پا افتاده است. این بندرگاه در حقیقت ترمینال جاده تجارت باستانی به شیراز، اصفهان و تهران است، که برای تردد وسایط نقلیه‌ی موتوری بازسازی گردیده، اما چند سربالایی تند مثل کتل مشهور دختر (ارتفاع از سطح دریا ۷۳۹۰ فوت / ۲۲۵۰ متر) آن را دچار نقص کرده است. تا تهران چهار روز راه است. در میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۶۰ (۶)، میزان مبادلات سالانه‌ی تجاری بوشهر بالغ بر ۷۵/۰۰۰ تن بود. به علاوه مقادیری محصولات نفتی نیز مبادله می‌شد. واردات شامل شکر، سیمان و فولاد است که تا اندازه‌ی زیادی بیشتر از صادرات است که شامل خشکبار، صمغ و پنبه خام می‌باشد.

احداث راه آهن سراسری ایران، که بنادر شاهپور (بندر امام خمینی م.) و خرمشهر جزو پایانه‌های اصلی آن هستند، بر تجارت بوشهر، تأثیرات نامطلوبی داشته است. از دهه‌ی ۱۹۳۰ (۷) بسیاری از مردم، این شهر را ترک کرده‌اند؛ عده‌ی دیگری نیز به طور فصلی به بحرین، آبادان و کویت مهاجرت می‌کنند.

دو کارخانه‌ی نساجی کوچک نیز در بوشهر قرار دارند. (۸)



تاریخ شهر بوشهر (منظور خود شهر بوشهر مستقر در چهار محله‌ی بافت قدیم است.)، به طور نسبی به دوران معاصر برمی گردد. پیشاهنگ آن، ریشهر در فاصله‌ی ۵ مایلی جنوب این شهر و در کنار یک خور کوچک نسبتاً عمیق بوده است. نقشه‌های پرتغالی‌ها مربوط به قرون شانزدهم و هفدهم، بندر ریشهر را به عنوان مهم‌ترین بازار تجاری در سواحل ایران نشان می‌دهد. ویرانه‌های ریشهر به عنوان معدن سنگ شهر بوشهر مورد استفاده قرار می‌گرفت. ریشهر در خلال جنگ جهانی اول، برای مدت کوتاهی توسط انگلیسی‌ها احیا شد. (۹)



شهر در سال ۱۷۳۶ (۱۰)، توسط نادر شاه به عنوان پایگاه نیروی دریایی ایران برگزیده و تأسیس گردید. (۱۱)
 با این که طرح‌های او به جایی نرسید، علاقه‌ی او به این شهر منجر به متمرکز شدن تجارت خلیج فارس در این بندر گردید - عمدتاً بهای (اعتبار) بندرعباس کمپانی هند شرقی بریتانیا، بالاخره فعالیت‌های تجاری خود در ایران را در سال ۱۷۵۹ (۱۲) از بندرعباس به بوشهر انتقال داد و بوشهر به نحو فزاینده‌ای حایز اهمیت گردید.
 بوشهر به طور موقت در جریان جنگ با ایران، توسط نیروهای انگلیسی، در سال‌های ۵۷-۱۸۵۶ (۱۳) و نیز بار دیگر در خلال جنگ جهانی اول مورد اشغال قرار گرفت (۱۴). نقش این شهر در جریان جنگ جهانی دوم بی‌اهمیت بود.
 جنرال قنصلگری بریتانیا در بوشهر در نتیجه‌ی منازعه‌ی نفت در سال ۱۹۵۱ توقیف گردید.



توضیحات:

۱- منظور همان مسیله یا مشیله است (mesile:mesile/)

۲- دهه‌ی ۱۹۶۰م. / دهه‌ی ۱۳۴۰ هـ.ش.

۳- oman sea ostan

۴- برابر با ۱۳۴۵ هـ.ش.

۵- ظاهراً این دیدگاه ناشی از قضاوت ظاهری نگارنده‌ی مقاله در مورد پوشش، لهجه و تا حدودی فیزیک بدن بومیان بوده که قطعات تحت تأثیر آب و هوا، محیط زیست و حتی تعامل طبیعی فرهنگی - اجتماعی با همسایگان جنوبی خلیج فارس قرار داشته‌اند.

۶- دهه‌ی ۱۹۶۰م. / دهه‌ی ۱۳۴۰ هـ.ش.

۷- برابر با دهه‌ی ۱۳۱۰ هـ.ش.، یعنی در حدود هفتاد سال پیش و به عبارتی پس از پایان جنگ جهانی اول که در خلال آن، بندر بوشهر نقش بسیار مهمی ایفا می‌نمود.

۸- این دو کارخانه نساجی کوچک، یکی کارخانه اعتمادیه و دیگری کارخانه‌ی خلیج بوده که اولی تازمان حاضر نیز به حیات صنعتی خود ادامه می‌دهد.

۹- پادگان نظامی انگلیسی‌ها در جنوب شبه جزیره‌ی بوشهر و در حوالی ریشهر و منطقه‌ی بهمنی قرار داشته است.

۱۰- برابر با سال ۱۱۱۵ هـ.ش.



۱۱- به همین مناسبت تا مدت‌ها بندر بوشهر با عنوان بندر نادری نامیده می‌شد.

۱۲- برابر با سال ۱۱۳۸ هـ.ش.

۱۳- برابر با سال ۱۲۳۵-۳۶ هـ.ش / ۱۲۷۳ هـ.ق.

۱۴- بندر بوشهر برای نخستین بار در سال ۱۲۵۴ هـ.ق. برابر با ۱۲۱۷ هـ.ش. ۱۸۳۸ م. توسط انگلیسی‌ها مورد حمله قرار گرفت که با مداخله و خیزش آیت‌الله شیخ حسن آل‌عصفور، نیروهای انگلیسی مجبور به عقب نشینی و حتی انتقال رزیدنسی سیاسی خود برای مدتی به جزیره‌ی خارگ شدند، که ظاهراً نگارنده‌ی مقاله این موضوع را فراموش کرده است.

ر.ک.: یاحسینی، سید قاسم. پیشگامان مبارزه با بریتانیا در جنوب ایران. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر. سال

۱۳۷۳. چاپ اول صص ۱۷ و ۲۷



جنون رقص ؛ درباره مراسم زار در جنوب



[عبدالحسین شریفیان]

بی تردید، هم‌شهریان بوشهری اسم زار را بارها شنیده‌اند، و اگر خود ندیده‌اند از پیشینیان‌شان شنیده‌اند که اصحاب زار – بیشتر در بندرعباس، بندر لنگه و بنادر دیگر هرمزگان و همچنین خارگ و ... – هفته‌ای یک شب گرد هم می‌آمده‌اند و تحت تأثیر موسیقی ریتمیک یا ضربی یک‌نواخت مراسم جذبه‌گونه‌ای به جای می‌آورده‌اند.

این گردهمایی تقریباً آیینی را نخست فقط بردگان سیاه‌پوست به جای می‌آوردند، ولی با گذر زمان سفیدپوستان نیز به آنان پیوستند و در انجام این مراسم شرکت جستند. حال باید دید که چرا این مراسم اصولاً در بندرعباس، بندرلنگه و چند بندر کوچک در آن حوالی بنیان گرفت؟

بندرعباس و بندر لنگه در دوران حکومت صفویان، شکوفایی اقتصادی ویژه‌ای یافتند و رفاه اجتماعی خاصی در آن دیار رخ گشود. همراه با داد و ستد بازرگانی، داد و ستد انسانی هم رواج یافت که به تبع آن شمار زیادی برده‌ی سیاه‌پوست به وسیله‌ی برده‌فروشان عرب وارد این منطقه شدند و به عنوان کارگر و عمده به جامعه‌ی ایرانی پیوستند. این بردگان سیاه‌پوست در هرشهری که بودند، می‌کوشیدند با هم‌نژادان خود ارتباط و آیند و روند و باب هم‌نشینی باز کنند و درست بر خلاف شیوه‌ی غیر انسانی حاکم بر جامعه‌ی آمریکایی، بردگان دنیای اسلام از رفاه خاصی برخوردار بودند و به تبع آن می‌توانستند با هم‌نوعان خود آزادانه مراوده داشته باشند و اجتماع خاص خودشان را - سبالو - داشتند و از موسیقی سنتی آفریقایی‌شان، که البته اندکی هم تحت تأثیر موسیقی جامعه‌ی جدیدشان قرار گرفته بود، استفاده می‌کردند.

اینان هفته‌ای یک‌بار به مرخصی می‌رفتند و همه در یک جا گرد می‌آمدند و با استفاده از نوای ریتمیک یا یک‌نواخت دهل یا دمام - یا به قول فرنگی‌ها نوای تام‌تام - چند ساعتی فارغ از رنج و مصیبت زندگی بردگی و عذاب دوری از وطن و جامعه‌ی نژادی‌شان می‌زیستند. آن‌ها می‌رقصیدند، سر و دست و شانه و کمر تکان می‌دادند و در یک حالت جذبه‌گونه و از خود بی‌خود شده سبک‌بار می‌شدند تا یک هفته‌ی دیگر رنج بردگی را بر دوش بکشند.

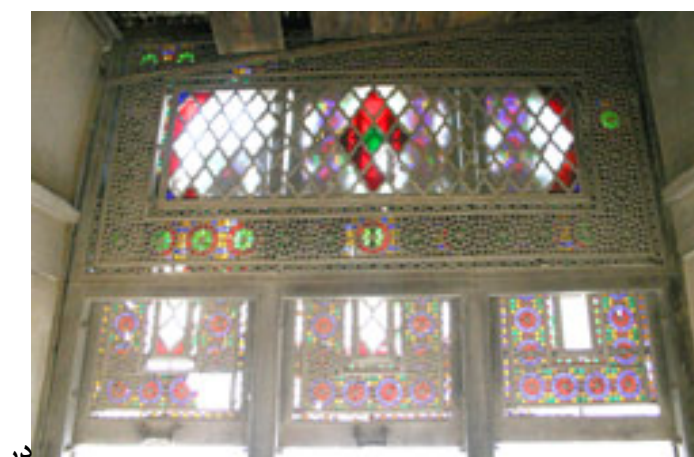
در این گردهمایی همه دایره‌وار می‌نشستند؛ بزرگ و کوچک، زن و مرد، و همه با اجازه‌ی مدیرشان، پدر یا بابای زار خاموش و لب فرو بسته، فقط سلام‌گویان مستقر می‌شدند و دهل‌زن یا دمام‌زن در کنار بابای زار می‌نشست، گوش به فرمان وی که مراسم زار را آغاز کند. بابای زار فقط با دست اشارتی می‌کرد و صدای ریتم یک‌نواخت و تام‌تام‌گونه‌ی طبل یا دهل یا دمام به هوای خاست و یک لحظه بعد شانه‌ها تکان می‌خورد یا می‌لرزید، به این سوی و آن سو می‌رفت، کمی بعد سر فرود می‌آمد و به این سوی و آن سوی تکان می‌خورد و در پی آن، شاید نیم ساعت بعد، دست‌ها از کف دست تا آرنج پیش می‌آمد و لرزگونه به حرکت در می‌آمد.



چون مجلس داغ می‌شد و نوای یک‌نواخت ضربات دهل یا دمام توانسته بود بر اعصاب حاضران اثر کند و از محدوده‌ی قید خویشتن‌شان بیرون بیاورد، پیچ و تاب تمامی بدن آغاز می‌شد و به تبع حرکات بابای زار که اینک به وسط دایره‌ی زار آمده بود،

همه شوریده‌حال و هیجان‌زده و از خود بی‌خود شده همان حرکات را - ولی نشسته - تکرار می‌کردند. اندکی هم ناله سرمی‌دادند و بعضی کف بر لب آورده.

البته بعدها بابای زار معرکه‌گیر وسط دایره‌ی زار را معین می‌کرد؛ یعنی کسی یا کسانی را به میدان می‌فرستاد که می‌توانستند بر شوریدگی و بی‌خودی دیگران بیافزایند. آن‌گاه که جذبه و بی‌خودی به حد اعلای خود می‌رسید گوسفندی را میانه‌ی میدان قربانی می‌کردند و همه چند قطره‌ای از خونس می‌خوردند. شاید به یاد دوران پیش از تاریخ قبایل آفریقایی که پس از به‌اسارت



در

آوردن سربازان دشمن، آن‌ها را پس از مراسمی تقریباً این‌گونه می‌کشتند و می‌خوردند.

آلدوس هاکسلی، نویسنده‌ی نامدار انگلیسی در کتاب اهریمنان لودون در ضمیمه‌ای که به آن افزوده است، درباره‌ی موسیقی ریتمیک یا یک‌نواخت که در مراسم آیینی انسان‌های دوران‌های نخستین باب بوده است به تفصیل سخن گفته است. وی می‌گوید که افراد قبایل بدوی از شنیدن نوای یک‌نواخت و دیرپای آن به وجد می‌آمده و به نوعی جذبه‌ی خاص دچار می‌شده‌اند و در نتیجه از قید خویشتن پیشین‌شان به در می‌آمده و به قولی از خود بی‌خود و بیگانه می‌شده‌اند و از محیط واقعی‌شان رؤیاگونه فراتر می‌رفته‌اند.

بعدها یونانیان، هندی‌ها و دراویش اسلامی و فرقه‌های مسیحی خاصی مثل رقاصان یا Shakers و رقاصان مقدس یا Holly Rollers از این‌گونه موسیقی جذبه‌آور بهره گرفتند.

هاکسلی معتقد است که این حرکات و سر و تن تکان دادن‌ها، ناشی از شنیدن ریتم یک‌نواخت و دیر پای مسری یا همه‌گیر است و به همین سبب آن را تارانتیزم یا جنون رقص نامیده‌اند.

در دوران باستان این مراسم را معمولاً پس از از سر گذراندن یک دوره‌ی دیرپای مصایب ویران‌گر مثل جنگ، طاعون، خشک‌سالی و قحطی برگزار می‌کرده‌اند تا به این وسیله اثرات روحی‌زیان‌بار ناشی از این دوران‌ها را بزدایند.

هدف ناآگاهانه‌ی زنان و مردانی که در این‌گونه رقص‌های آیینی شرکت می‌کردند، این بوده است که از دایره‌ی محدود شخصیت اصلی خویش به در آیند و در شادی و لذت دیگری شدن غرقه‌شوند. بدین ترتیب زار و مراسم زار، رنج بردگی و رنج غربت‌زدگی را از تن بردگان آواره‌ی آفریقایی می‌زدود.

هاکسلی در جایی دیگر می‌گوید که موسیقی مثل طبیعت آدمی بسیار گسترده است و برای آدمیان - از هر قشر و جامعه - پیام‌هایی دارد. موسیقی، با آن اشکال گوناگونش هم تخدیر کننده‌است و هم تحریک کننده، به طوری که کم‌تر شنونده‌ای را می‌توانید بیابید که در برابر دمام‌کوبی آفریقایی‌گونه بتواند خودآگاهی ذهنی‌اش را حفظ کند.

آیا کسانی هستند که چون در مراسم غنای دراویش مراکشی یا وود وایت‌های هایتی شرکت جویند و در برابر شنیدن ریتم یک‌نواخت طبل‌ها و دهل‌های‌شان دوام بیاورند؟

در بندرعباس و بندر لنگه معتقد بودند و می‌گفتند که اگر کسی غیر از زاری‌ها وارد مجلس‌شان شود، زار هنگام خروج، از تن آن‌ها می‌گذرد و آن‌ها را هم زاری می‌کند، و این یعنی همان مسری‌بودنی که هاکسلی می‌گوید.



تأثیر این موسیقی ریتمیک به گونه‌ای است که در ایجاد مستی و جذبه‌ی گروهی، یا حتا حزبی، به صورت سرود یا مارش‌های پر سر و صدا و کوبنده مورد استفاده قرار می‌گیرد. وقتی این موسیقی ریتمیک در خلوتی زاویه‌گونه به صدا در آید، در جایی به دور از سر و صدا و جنجال کوچه و خیابان، جوری بر مغز و بر ذهن اثر می‌گذارد که به جذبه و به بی‌خود شدن از خویش می‌انجامد، یا به قولی به غیریت فراشخصی خاص و فرار از محدوده‌ی مقید پیشین. در بعضی از مجالس غنایی، این موسیقی یک‌نواخت و تام‌تام‌گونه به خودآزاری غیر ارادی، خودتازیان‌زنی و حتا به خودکشی گروهی می‌انجامد.

آن‌گونه که من از بعضی دوستان بندرعباسی‌ام شنیده‌ام، موسیقی یک‌نواخت دهل یا دمام زاری‌ها، بعضی زاری‌ها را به گونه‌ای از خود بی‌خود می‌کرد که ناگهان به پا می‌خاستند و به زبان عربی شعر و آواز می‌خواندند، در صورتی که تا پیش از آن و در حالت عادی عربی نمی‌دانسته‌اند.

هاکسلی می‌گوید که اینان جوری از دنیای‌شان فراتر می‌روند و در دنیایی قرار می‌گیرند که در آن به خاطرات از یاد رفته‌ی دوران کودکی‌شان دست می‌یابند، آن را به یاد می‌آورند و آن‌چه را که شنیده‌اند بازگو می‌کنند.

ویلیام جیمز در کتاب تجربیات مذاهب گوناگون از مکاشفه‌ی مدهوشانه یاد کرده است که در پی شنیدن موسیقی ریتمیک به آدمیان دست می‌دهد. شرکت کنندگان این‌گونه مجالس آیینی به نوعی کرختی، خیال‌پردازی، توهم‌اندیشی دچار می‌شوند، و نه به مکاشفات مدهوشانه‌ای که به تجلی ملکوتی و به کمال نفس ملکوتی می‌انجامد.

شماری از پژوهندگان امور روانی که به قاره‌ی سیاه سفر کرده‌اند گزارش داده‌اند که در بعضی از قبایل آفریقایی که هنوز هم به حالت نیمه‌وحشی زندگی می‌کنند، مراسم زارگونه برگزار می‌شود. البته این مراسم زمانی به جای آورده می‌شود که افراد قبیله از شکار، جنگ، یا از تاراج‌گری باز گشته‌اند. آن‌ها با استفاده از طبل‌ها، دهل‌ها و یا دمام‌های‌شان، افراد را به یک‌شوریدگی جذبه‌گونه دچار می‌سازند، آن‌گونه که همه از چارچوب محدود و مقید شخصیت پیشین خود به در می‌آیند و با صدای کوبنده و یک‌نواخت طبل یا دهل به درون دنیایی می‌روند که غیر از دنیای خودشان است.



هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور

مدیرمسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده

نشانی: بوشهر - میدان قدس - کوچه جانبازان - دفتر هفته نامه نسیم جنوب

تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰

فکس و پیامگیر: ۷۷۱ ۹۸+۲۵۲۸۱۵۱

صندوق پستی: ۱۱۹۹

پست الکترونیک: info@nasimjonoub.com